



ادبیات الکترونیک و «نوشتار شبکه‌ای»

می‌بخشید، چند کلمه به من قرض می‌دهید؟



پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی
شاهروز زاده

سپتامبر ۱۹۸۳ است و شهر سیاتل شاهد بزرگ‌ترین جشنواره هنری سال. در فضای پرپیاهوی جشنواره، سازه‌ای که به سفینه‌ای فضایی می‌ماند، حسابی جلب توجه می‌کند. متولیان غرفه به آن می‌گویند «زیگورات سایبری شهرزاد» (cyberno-ziggurat Scheherazade).

داخل غرفه چیزی نیست جز چند دستگاه واژه‌پرداز.

شهردار سیاتل با بلخندی کم رنگ و نوعی حس مسئولیت، اولین کلمه را از دهانش خارج می‌کند:

«شروع»، و این به واقع آغاز یک پروژه ادبی بزرگ بود. پس از آن، بیرون و درون «زیگورات سایبری شهرزاد»، مردم کلماتشان را تایپ می‌کنند. فرم‌های کاغذی را که جاهای خالی‌شان انتظار کلمات را می‌کشند، بر می‌کنند و به متولیان غرفه که این سووان سوباتخته‌ایستاده‌اند، کلمه قرض می‌دهند. با هر کلمه‌ای که تایپ می‌شود و هر واژه‌ای که در جای خالی فرم یا تخته می‌نشیند، گویی یک گام به ساختن چیزی بزرگ و مهم نزدیک تر می‌شویم.

اشتباه گفتیم؛ فریاد «شروع» شهردار آغاز پروژه نبود. این جشنواره فقط نقطه اوج یک فرایند طولانی بود که چند ماه پیش آغاز شده بود، و وقتی که مردم در گوشه و کنار شهر با تعجب به شبه کارگرانی می‌نگریستند که روی سارافون‌های سفیدشان کلماتی شابلون‌کاری شده بود و کلاه ایمنی‌شان هم علامت سؤالی بر خود داشت. این سارافون پوش‌ها که به خود نام «کارگر ادبی» داده بودند، با تخته‌هایی در دست، در خیابان‌ها، بارها و کافی‌شاپ‌های سیاتل آدم‌ها را متوقف می‌کردند و از آن‌ها می‌پرسیدند: «بیخشید، ما در حال ساختن یک رمان هستیم. ممکن است چند کلمه از شما قرض بگیریم؟». بعد، سؤالات ساده‌ای از آن‌ها می‌پرسیدند: «یک غریبه کجا ممکن است کشته شود؟» یا «ماشین یا معشوق خود را توصیف کنید؟» پرسش‌هایی که به نظر بی‌اهمیت می‌رسیدند. اما پاسخ‌های آن‌ها، هریک، قطعه‌ای از پازلی بزرگ‌تر بود.

در مرحله بعد، این کارگران ادبی خیل کلماتی را که به طور پراکنده در نقاط مختلف شهر جمع شده بود، در اختیار مهندس-نویسندگان گروه «نامرئی‌ها» (Invisibles) قرار دادند. آن‌ها کلمات، توصیفات، داستان‌های کوچک و حتی جزئیات بی‌اهمیت روزمره را جمع‌آوری کردند و یک «پایگاه داده» عظیم از افکار مردم ساختند. این مواد خام قرار بود رمان سیاتل را بسازد، رمانی که فقط یک نفر نویسنده‌اش نبود، بلکه همه مردم به شکلی خاص در خلقتش دخیل بودند.

چند ماه پس از پایان جشنواره، فرایند ویرایش و مرتب‌سازی شروع شد. گروه «نامرئی‌ها» مانند معمارانی که در حال ساختن یک خانه از هزاران آجر هستند، این قطعات پراکنده را کنار هم چیدند. آن‌ها نه تنها کلمات، بلکه احساسات، تجربیات و دیدگاه‌های مردم سیاتل را به هم پیوند زدند و رمان نهایی به شکلی هنرمندانه و با چیدمان دقیق منتشر شد.

این رمان محصول هزاران کلمه‌ای بود که در طول جشنواره و پیش از آن در فضای عمومی و جمعی مردم سیاتل به وجود آمده بود. این رمان نه تنها داستانی از یک شهر است، بلکه گواهی بر قدرت مشارکت، خلاقیت جمعی و پیوندهای نامرئی میان افراد یک جامعه نیز هست.

این اولین اثر ادبی شبکه‌ای بود، سال‌ها پیش از آنکه وب جهان‌گستر فراگیر شود. من معتقدم بسیاری از ژانرهایی که امروزه در ادبیات الکترونیک می‌بینیم، ایدئال‌های ذهنی هنرمندان پست مدرن و ادبیات تجربی هستند. «نوشتار شبکه‌ای» (networked writing) هم یکی از همین ژانرهاست. نویسندگان و هنرمندان گروه «نامرئی‌ها» تصور نمی‌کردند که کمتر از نیم قرن بعد، بدون راه رفتن در پیاده‌روهای شهر، بدون تخته، بدون فرم‌های کاغذی، نه تنها بشود رمانی با مشارکت مردم یک شهر نوشت، بلکه این امکان فراهم باشد که اثری ادبی با مشارکت مردم از اقصی نقاط جهان خلق کرد، درست مثل آنچه در اثر «لحاف‌ظهر» می‌بینیم؛ پروژه‌ای که پانزده سال پس از رمان سیاتل در سال ۱۹۹۸ در وب راه اندازی شد.

«لحاف‌ظهر» خلقی دسته‌جمعی از صداها نویسنده در چهل کشور جهان است. در این اثر، نویسندگان مکلف بودند هنگام ظهر از پنجره‌هایشان بیرون را بنگرند و آنچه را می‌بینند در صد کلمه توصیف کنند. جذابیت اصلی پروژه «لحاف» انسجام روایی نیست، بلکه خلق نوعی چشم‌انداز بین‌المللی است که با صداهای مختلف و از زوایای متعدد روایت می‌شود. هریک از این روایت‌های کوتاه به تکه وصله‌ای در این لحاف تبدیل شد که مشاهدات مشارکت‌کنندگان بیشتر آن را بزرگ و بزرگ‌تر کرد. این روزها شبکه‌های مجازی مانند توئیتر، فیس‌بک و اینستاگرام به م‌آخذ اصلی آفرینش‌های دسته‌جمعی تبدیل شده‌اند. ترانه‌ای که ترکیبی از ده‌ها توثیت مردمی است. نمونه شناخته‌شده‌ای از ژانر «نوشتار شبکه‌ای» برای مخاطب فارسی زبان است.

در روزگار هشتگ زنی و ترندسازی، از یک منظر، این ژانر به محملی برای ابراز خواست‌ها و آرمان‌های جمعی تبدیل شده است. بنابراین مطالعه‌ای که در ژانر نوشتار شبکه‌ای خلق می‌شوند، می‌تواند به تصمیم‌گیران جوامع کمک کند تا آنچه در ذهن و ضمیر شهروندان می‌گذرد، بهتر بشناسند.



مراسم بزرگداشت سعدی در افغانستان برگزار شد

مراسم روز بزرگداشت شیخ اجل، سعدی، در نودو یکمین نشست ادبی «چارباغ خیال» با حضور جمعی از شاعران و نویسندگان بلخ برپا شد.

در مراسم روز بزرگداشت سعدی، صالح محمد خلیق، رئیس انجمن نویسندگان بلخ، با تأکید بر جایگاه ماندگار آثار شیخ اجل در فرهنگ و ادبیات فارسی، بیان کرد: «گلستان، بوستان و دیوان غزلیات سعدی از اثرگذارترین کتاب‌ها در جوامع فارسی زبان هستند.»

وی افزود: «بسیاری از نکته‌های اخلاقی و اجتماعی مطرح‌شده در این آثار، امروزه، به صورت ضرب‌المثل‌ها و فرازهای کاربردی در کشورهای افغانستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان و دیگر مناطق آسیای میانه رایج است. در افغانستان، همواره بوستان و گلستان از کتاب‌های اصلی درسی در مدارس سنتی بوده است.» این مراسم که با میزبانی کتابخانه عمومی «فردوسی» مزارشریف برگزار شد، با غزل خوانی و گلستان خوانی شاعران حاضر به پایان رسید.

منبع: ایبنا



علی باقریان

مَرّ آن از دَهافش^{۱۲} ایامد چو باد
بَد ایران زمین تاج بر سر نهاد^{۱۳}
از ایران و از تازیان^{۱۴} لشکری
گزین کرد^{۱۵} گردان^{۱۶} هر کشوری^{۱۷}

سوی تخت جمشید بُنهاد روی^{۱۸}
چون انگشتی کرد گیتی بر اوِی^{۱۹}
چو جمشید را بخت شد کندرو^{۲۰}
به تنگ اندر آمد^{۲۱} سپهدارِ نو^{۲۲}

برفت و بدو داد تخت و کلاه^{۲۳}
بزرگی و دیهیم^{۲۴} و گنج و سپاه^{۲۵}

۱- مَرّ: حرف اضافه‌ای که بیشتر با «را» می‌آورده‌اند. (اینجا تأثیر خاصی در معنا ندارد).
۲- از دَهافش: از دَهاوش، از دَهاپیکر، صفتی برای ضحاک که مار دوش بود. ۳- تازیان: عرب‌ها.
۴- گزین کرد: برگزید. ۵- گردان: جنگاوران. ۶- کشور: شهر، سرزمین. ۷- عرصه را تا اندازه انگشتی یعنی تا حدی که می‌شد بر او تنگ کرد. ۸- به تنگ اندر آمد: بسیار نزدیک شد.
۹- زمانی که اسب اقبال جمشید از پویایی بازایستاد و بخت از او برگشت و نیز سپهسالار جوان تازه‌وارد بسیار نزدیک شد.... ۱۰- کلاه: تاج پادشاهی. ۱۱- دیهیم: تاج (گاه با ریختی ویژه و مثلا- زُزَنشان).
۱۲- مَرّ: حرف اضافه‌ای که بیشتر با «را» می‌آورده‌اند. (اینجا تأثیر خاصی در معنا ندارد).
۱۳- از دَهافش: از دَهاوش، از دَهاپیکر، صفتی برای ضحاک که مار دوش بود. ۱۴- تازیان: عرب‌ها.
۱۵- گزین کرد: برگزید. ۱۶- گردان: جنگاوران. ۱۷- کشور: شهر، سرزمین. ۱۸- عرصه را تا اندازه انگشتی یعنی تا حدی که می‌شد بر او تنگ کرد. ۱۹- به تنگ اندر آمد: بسیار نزدیک شد.
۲۰- زمانی که اسب اقبال جمشید از پویایی بازایستاد و بخت از او برگشت و نیز سپهسالار جوان تازه‌وارد بسیار نزدیک شد.... ۲۱- کلاه: تاج پادشاهی. ۲۲- دیهیم: تاج (گاه با ریختی ویژه و مثلا- زُزَنشان).

درنگی در آنچه سعدی از فردوسی آموخته است

از بسی خلق است دنیا یادگار*



شریف شیرزاد| درباره پیوندهای فکری سعدی و فردوسی و البته تأثیرپذیری اولی از دومی زیاد نوشته‌اند. شاعر شیرازی در آثارش چند بار به صراحت از سخنور توسی و منظومه او یاد کرده است که از آن میان این دو بیت در «بوستان» از همه مشهورترند: «چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد/ که رحمت بر آن تربت پاک باد// میازار موری که دانه‌کش است/ که جان دارد و جان شیرین خوش است». سعدی در موضعی دیگر، در «گلستان»، از «شاهنامه» همچون

«عبرت‌نامه» سخن گفته است:

باری، به مجلس او [= یکی از ملوک عجم] در کتاب «شاهنامه»، همی خواندند در زوال مملکت ضحاک و عهد فریدون. وزیر مُلک را پرسید: هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک و حشم نداشت، چگونه بر او مملکت مقرر شد؟ گفت: آن چنان که شنیدی. خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت. گفت: ای مُلک! چو گرد آمدن خلقی موجب پادشاهی است، تو مر خلق را پریشان برای چه می‌کنی؟ مگر سر پادشاهی کردن نداری؟!

چنین نگاهی به اثر فردوسی در مواضعی دیگر از آثار سعدی نیز به چشم می‌خورد. گویی او «شاهنامه» و داستان‌های آن را منبع مثالی پندآموزی، به‌ویژه برای حکمرانی، می‌دانسته است. سعدی یک جا در قطعات می‌پرسد: «نوشیروان کجا شد و دارا و یزدگرد/ گردان شاهنامه و خانان و قیصران؟» و جایی دیگر، در قصاید، به حاکم محلی یادآور می‌شود که «اینکه در شهنامه‌ها آورده‌اند/ رستم و رویین تن اسفندیار// تا بداند این خداوندان ملک/ کز بسی خلق است دنیا یادگار».

اما گذشته از آنچه آمد و آشکار بود، پژوهشگران

نمونه‌هایی فراوان از تأثیر ضمنی فردوسی و «شاهنامه» بر اندیشه و شعر سعدی به دست داده‌اند که جز با غور در اندیشه‌ها و آثار این دو شاعر بزرگ زبان فارسی آشکار نمی‌گردد؛ یکی به تأثیرات روان‌شناختی شیخ اجل از حکیم توس اشاره کرده است و دیگری به اثرپذیری‌های زبان‌شناختی افصح المتکلمین از زنده‌کننده زبان فارسی، مثال بسیار است. اینجا، محض نمونه، از سه تن سخن شناس جملاتی دراین باره نقل کرده‌ایم:

* برگرفته از بیت سعدی.

مهری بهفر، پژوهشگر و مؤلف کتاب

«شاهنامه فردوسی: تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات»



من هیچ وقت نتوانستم «بوستان» سعدی را بخوانم و از درون آن فردوسی را نبینم و رابطه بینا متنی و جهان مرتبط این دو را در حین خواندن متن از یاد ببرم. و البته این دیدن متنی از درون متنی دیگر، جز لذت و کشف، آرام آرام چیزهای دیگری

هم از جنس پیوند دنیاها و سرشت معناها و حسیات میان نویسندگانی که محبوب آدم‌اند، آشکار می‌کند، و از این راه دریافتم در هر شاعر و نویسنده‌ای که در قرون بعد از این دوسر برآورد و در دسته محبوبان من جای گرفت، قدری فردوسی و سعدی هست.

سعید بیابانکی، شاعر و نویسنده کتاب

«شاهنامه، (از مجموعه «قصه‌های شیرین ایرانی»)



همان قدر که فردوسی را باید احیاگر زبان شیرین پارسی بدانیم، سعدی نیز نقشی مهم و شگرف در حفظ و انتقال زبان مادری ما داشته است. معتقدم که فردوسی فونداسیون شعر پارسی را بنا کرده و به قول معمارها سفت‌کاری زبان را او انجام داده، اما

نازک‌کاری را سعدی انجام داده است. شاید اگر فردوسی و سعدی نبودند، چیزی به نام «زبان فارسی» وجود نداشت. زبان مادری شیرین ما که این قدر شیواست، مدیون کل ادبیات و شاعران است، اما از همه بیشتر، [مدیون] فردوسی است و در وهله بعدی سعدی.



قدمعلی سزّامی، شاعر، و نویسنده کتاب

«از رنگ گل تا رنگ خار: شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه»



سعدی در جای‌های مختلف از «شاهنامه» فردوسی تأثیر گرفته و در اخلاق کاملاً تحت تأثیر «شاهنامه» فردوسی است. یکی از نشانه‌های تأثیر سعدی از فردوسی حرمت گذاشتن سعدی به زبان فارسی و ایران است.

مدحیه هم از فردوسی تأثیر پذیرفته و با فردیت نیز پیروی است. علاوه بر این، سعدی به‌طور نورمیتولوژیکال (برگرفته از) دانشی با عنوان «نورمیتولوژی» که ارتباط دگردیسی و تکوین اسطوره‌ها با مغز و اعصاب انسان نیز از جمله میباحث طرح‌شده در آن (است) از فردوسی متأثر بوده است.



معرفی ۲ کتاب برای آشنایی بیشتر با جهان و جهان‌بینی شیخ اجل

سیری در افکار سعدی

معرفی کتاب

آثار سعدی، علاوه بر اینکه از نظر صورت عالی‌اند، در مضمون هم درخشان‌اند. بنابراین، پژوهشگران بسیاری به این وجه از آثار او پرداخته‌اند. دو کتابی که در ادامه به آن‌ها اشاره کرده‌ایم، مشتق از این خروارند: **اولی تألیف یک ایرانی خارج‌نشین و دومی نوشته یکی خارجی ساکن ایران.**

«معیارهای اخلاقی در دیدگاه سعدی»، نوشته ناومی شیمیزو، انتشارات علمی و فرهنگی.



موضوع این کتاب بررسی دیدگاه‌ها و آرای سعدی درباره اخلاق است و هدف از تدوین آن شناخت احساسات و افکار واقعی مردم کشورهای اسلامی در زندگی روزمره، و کسب آگاهی از مشکلات ایشان و نحوه برخوردشان با آن‌ها از طریق بررسی افکار سعدی است. در پشت جلد کتاب آمده است: «نویسنده ژاپنی این کتاب که تحت تأثیر آیین اخلاقی ایرانیان (هم پیش از اسلام و هم پس از اسلام) قرار گرفته است، مفهوم اخلاق و حکمت را از چشم‌انداز فرهنگ‌های گوناگون موضوع بحث و بررسی خود قرار داده و سپس به تشریح معیارهای اخلاقی از دیدگاه سعدی پرداخته است. به منظور شناخت صحیح اندیشه‌های سعدی، نویسنده کوشیده است که تاریخچه دقیقی از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران سعدی که مصادف با حاکمیت مغولان بود، به دست دهد و ضمن معرفی آثار سعدی از خلال نوشته‌هایش



عمدتاً «گلستان» و «بوستان»). به بررسی عقاید وی درباره اخلاق پادشاهان، اخلاق دانشمندان و خردمندان، اخلاق عارفان و درویشان و اخلاق مردم پرداخته است. در بخش نتیجه‌گیری این کتاب، اهمیت پند و اندرز و شرایط اندرزگویی و امر به معروف از دیدگاه سعدی تشریح شده و هزاران نکته باریک‌تر از مو که سعدی آن‌ها را برای راهنمایی مردم به اخلاق نیکو ضروری می‌شمارد، بررسی شده‌اند.

ناومی شیمیزو، نویسنده کتاب، نیز در پیشگفتار کتاب خود، درباره آشنایی‌اش با سعدی و دلیل گرایش به آثار او نوشته است: «روزی در کلاس دانشگاه، یکی از استادان هنگام معرفی ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی به دانشجویان «گلستان» سعدی رانیز معرفی کرد. به نظر نگارنده، شخصیت‌هایی که سعدی در داستان‌ها و حکایت‌های «گلستان» آفریده است، بسیار عینی و قابل درک‌اند. سپس نگارنده با مطالعه کتاب‌هایی درباره اخلاقیات، یقین پیدا کرد که مطالعه آثار اخلاقی یکی از بهترین راه‌های درک طرز تفکر ایرانیان است.»

«سعدی، شاعر عشق و زندگی»، نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان، نشر مرکز.



این کتاب دربردارنده بیست مقاله است که در شماره‌های مختلف مجله «ایران شناسی» منتشر شده‌اند و نویسنده در آن‌ها وجوه گوناگونی از افکار و روحيات و اشعار سعدی را بررسی کرده است. «سنّالی از قبیل میزان را بررسي به اشعار سعدی برای بی بردن به رویدادهای واقعی زندگی او، سفرهای سعدی، تحصیل او در نظامیه، دیدگاه‌های او در مسائل چون دروغ، مصلحت‌آمیز و درویشی و تصوف و عشق، ویژگی‌های غزل او، و ریشه‌های برخی برخوردهای منفی با شعر او در دوران معاصر در این مقاله‌ها بررسی شده‌اند. محمدعلی همایون کاتوزیان در یادداشت ابتدایی‌اش بر کتاب، درباره انگیزه‌اش از پرداختن به سعدی نوشته است: «آغاز کار من درباره سعدی (و ادبیات کلاسیک فارسی) به دوران کودکی بازمی‌گردد و از آن زمان تاکنون هیچ‌گاه از این کار غافل نبوده‌ام، اما به دلیل شوق به

